

صلاة الاضلاع



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش مبانی نظری اسلام

عنوان:

مبانی کلامی مشروعیت حکومت دینی

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد رضا کریمی‌والا

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد ابراهیم ایزدخواه

نگارنده:

قاسم برازنده

۱۳۹۲

تقدیم به:

آستان مقدس ارواح طیبه انبیاء الهی علیهم السلام، بویژه خاتم الأنبياء حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و جانشینان برحقاش، ائمه هدی علیهم السلام، و به محضر علما و دانشمندان راستین الهی علیهم السلام، بخصوص بنیان‌گزار کبیر انقلاب شکوهمند ایران اسلامی، حضرت امام خمینی ره، که در راستای تبیین و اجرای احکام نورانی و سعادت بخش خداوند سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ و تأسیس حکومت دینی، مجاهدت‌ها، خون دل‌ها و گوشش‌های طاقت‌فرسایی را به جان خریدند.

و به وارستگان از تعلقات دنیوی، که با کمال اخلاص، در راه اعتلای حق و عدالت، به فوز شهادت نائل آمدند؛ بویژه شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس [و به روح شهید والامقام، محمد امامی سفیدان عتیق]، روح‌شان شاد، یاد گرامی - شان، زنده و راه روشن‌شان، پایدار و پر رهرو باد.

تشکر و سپاس‌گزاری

سپاس بی‌کران پروردگار یکتا را که هستی‌مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه‌چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده‌اند تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای **حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد رضا کریمی‌والا** که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان‌نامه تقبل نموده‌اند نهایت تشکر و سپاس‌گزاری را دارم.

از جناب آقای **حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد ابراهیم ایزدخواه** به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار داده‌اند کمال تشکر را دارم.

همچنین از خانواده‌ام که با صبر و بردباری فراوان در هنگام انجام این پژوهش، مددکارم بودند. و نیز از کارکنان محترم بانک اطلاعات کتابخانه آیت الله العظمی حائری، تشکر و قدردانی را دارم.

چکیده

اهمیت مسأله «مشروعیت» از آن روست که ثبات و بقای نظام سیاسی، به تحقق مشروعیت آن وابسته است و لذا هر حکومتی می‌کوشد پایه‌های «مشروعیت» خویش را مستحکم کند و حتی حکومت‌های جائز و غاصب نیز تلاش می‌کنند تا به شکلی، حاکمیت خود را با نوعی از «مشروعیت» و لو کاذب بی‌آیند. بدین‌رو، مبنای «مشروعیت» حکومت دینی، همواره از مباحث محوری و پرچالش میان متفکران دینی و سیاسی بوده است.

نوشتار حاضر، با استفاده از بنیادی‌ترین مباحث جهان بینی و کلامی اسلام، یعنی: «نظریه توحید»، «نظریه امامت» و «نظریه معاد»؛ مبانی کلامی مشروعیت حکومت دینی را به بحث نشانده است. بدون شک «نظریه توحید»، آموزه‌ای صرفاً اندیشه‌ای و نظری نیست؛ بلکه تأثیر آن در مسائل اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی و سیاسی، انکار ناپذیر و تأمین‌گر یکی از متقن‌ترین پشتوانه‌های مشروعیت حکومت دینی، از طریق انحصار ولایت و حاکمیت در ذات احدیت است. نظریه امامت در تفکر شیعی نیز از محورهای مهم در تبیین مبنای مشروعیت حکومت دینی است؛ چه اینکه در این نظام فکری، سکان جامعه اسلامی تنها در اختیار مآذونان الهی است، که مصداق بارز آنها انبیاء علیهم‌السلام و ائمه هدی علیهم‌السلام با ویژگی عصمت و علم لدنی هستند. سخن دیگر اینکه بر اساس جهان بینی اسلامی، سعادت و شقاوت حیات ابدی، از رهگذر اعمال این دنیایی است و از آنجا که کوچکترین اعمال انسان‌ها در وادی ابدیت نقش آفرین است؛ لازم و ضروری است که هدایت جامعه توسط نظامی سامان یابد که اولاً، جامعه را از آلودگی‌ها و پلیدی‌ها دور نگه دارد و ثانیاً، بستر بالندگی آحاد را در ورود سعادت‌مندان به حیات ابدی فراهم سازد، لذا به حکم عقل، ضروری است سازمان اجتماعی بشر از هر جهت مطابق اراده الهی بوده و ناحیه قدس الهی تأمین‌گر درستی، حقانیت و مشروعیت آن باشد. بدین ترتیب با الهام از اصول سه‌گانه «توحید»، «امامت» و «معاد»؛ احراز می‌شود که مبنای فرید مشروعیت حکومت دینی، جز إذن الهی نیست.

واژگان کلیدی: کلام، مشروعیت، حکومت دینی، توحید، حاکمیت، ولایت، امامت، معاد

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۱.....	۱. تبیین موضوع تحقیق
۱.....	۲. اهمیت و جایگاه موضوع
۲.....	۳. هدف از تحقیق
۳.....	۴. تبیین واژگان موضوع
۵.....	۵. سؤال‌های اصلی و فرعی تحقیق
۵.....	۶. فرضیه‌های تحقیق
۶.....	۷. پیشینه تحقیق
۱۱.....	۸. روش تحقیق

بخش اول: مفاهیم و کلیات ۱۲

فصل اول: حکومت و ادله ضرورت آن ۱۴

۱۴.....	مقدمه
۱۶.....	۱-۱- تبیین حکومت و فرق آن با حاکمیت و دولت
۱۶.....	۱-۱-۱- معنای لغوی
۱۷.....	۱-۱-۲- تعریف اصطلاحی
۱۷.....	۱-۱-۳- فرق حکومت با دولت و حاکمیت
۱۹.....	۱-۲- ادله عقلی ضرورت حکومت

- ۱-۲-۱- دلیل عقلی در تبیین برخی اندیشمندان اسلامی ۱۹
- ۱-۲-۲- دلیل عقلی در تبیین گروهی از اندیشمندان غربی ۲۱
- ۱-۳-۱- ادله نقلی ضرورت حکومت ۲۵
- ۱-۳-۱- آیات قرآن کریم ۲۵
- ۱-۳-۲- روایات ۲۷
- ۱-۴- نتیجه‌گیری ۲۹

فصل دوم: تبیین ماهیت حکومت دینی ۳۰

- مقدمه ۳۰
- ۱-۲- حکومت دینی در اندیشه سیاسی غرب ۳۰
- ۱-۲- حکومت دینی در اندیشه سیاسی اسلام ۳۳
- ۱-۳- شکل و ساختار حکومت دینی ۳۶
- ۱-۴- نتیجه‌گیری ۳۸

فصل سوم: ضرورت حکومت دینی ۳۹

- مقدمه ۳۹
- ۱-۳-۱- ادله ضرورت حکومت دینی در اندیشه سیاسی اسلام ۳۹
- ۱-۳-۱-۱- جامعیت و کمال دینی ۳۹
- ۱-۳-۲- حفظ دین و اجرای حدود و حقوق دینی ۴۳
- ۱-۳-۳- اقدام عملی پیامبر اسلام ﷺ و انبیاء پیشین علیهم‌السلام در تأسیس حکومت ۴۶
- ۱-۳-۲- نقد و بررسی شبهات منکران حکومت دینی ۴۸
- ۱-۲-۳- ناکامی دین ثابت در پاسخ به نیازهای متغیر و نقد و بررسی آن ۴۹
- ۱-۲-۲-۳- لکه دارشدن قداست دین و نقد و بررسی آن ۵۲

۳-۲-۳- ناکامی تاریخی حکومت دینی در اداره جا معه و نقد و بررسی آن ۵۳

۳-۳- نتیجه‌گیری ۵۴

۵۵..... فصل چهارم: کلامی بودن بحث حکومت دینی

مقدمه ۵۵

۵-۱- سنخ مباحث کلامی و تفاوت آن با مباحث فقهی ۵۵

۵-۲- ثمرات کلامی یا فقهی بودن مبحث حکومت دینی ۶۰

۵-۳- نتیجه‌گیری ۶۲

۶۳..... فصل پنجم: مشروعیت حکومت

مقدمه ۶۳

۴-۱- مفهوم لغوی مشروعیت ۶۴

۴-۲- تعاریف اصطلاحی مشروعیت و نقد و بررسی آنها ۶۵

۴-۲-۱- نظریه انطباق با قانون و نقد و بررسی آن ۶۵

۴-۲-۲- نظریه انطباق فرآیند اقتداریابی با باورها و عقاید مردم و نقد و بررسی آن ۶۶

۴-۲-۳- نظریه کارآمدی دراز مدت و نقد و بررسی آن ۶۶

۴-۲-۴- نظریه میل و رضایت مردم و نقد و بررسی آن ۶۷

۴-۲-۵- نظریه رأی اکثریت و نقد و بررسی آن ۶۹

۴-۲-۶- نظریه قرار داد اجتماعی و نقد و بررسی آن ۷۰

۴-۳- نتیجه‌گیری ۷۱

۷۲..... بخش دوم: مبانی مشروعیت حکومت دینی با نگرش کلامی

۷۴..... فصل اول: مبانی مشروعیت حکومت دینی بر اساس اندیشه توحیدی اسلام

مقدمه ۷۴

- ۱-۱-۱- تبیین اندیشه توحید در اسلام ۷۵
- ۱-۱-۱- بررسی لغوی و اصطلاحی واژه توحید ۷۶
- ۱-۱-۲- ادله و مراتب توحید ۷۶
- ۱-۱-۲-۱- دلیل اول: فطرت ۷۶
- ۱-۱-۲-۲- دلیل دوم: تمنع ۷۷
- ۱-۱-۲-۳- دلیل سوم: نفی ترکیب ۷۸
- ۱-۱-۲-۴- دلیل چهارم: کمال مطلق و نامحدودیت خداوند ۷۸
- ۱-۱-۲-۵- مراتب توحید ۷۹
- ۱-۲-۱- مبنای مشروعیت حکومت دینی براساس اصل توحید ۸۰
- ۱-۲-۱-۱- توحید در مالکیت ۸۰
- ۱-۲-۱-۲- واژه مالکیت ۸۰
- ۱-۲-۱-۲-۱- مالکیت حقیقی و اعتباری ۸۰
- ۱-۲-۱-۳- توحید در مالکیت از منظر قرآن ۸۳
- ۱-۲-۱-۴- خالقیت، مبنای مالکیت حقیقی خداوند بر عالم ۸۴
- ۱-۲-۲-۱- توحید در ولایت ۸۶
- ۱-۲-۲-۱- واژه ولایت ۸۶
- ۱-۲-۲-۲- توحید در ولایت حقیقی از منظر قرآن ۸۸
- ۱-۲-۲-۳- اقسام ولایت خداوند ۸۹
- ۱-۲-۲-۳-۱- ولایت تکوینی ۸۹
- ۱-۲-۲-۳-۲- ولایت تشریحی ۹۰
- ۱-۲-۲-۴- تبیین ولایت انحصاری خداوند ۹۱
- ۱-۳-۱- نتیجه‌گیری ۹۳

فصل دوم: مبانی مشروعیت حکومت دینی بر اساس اصل امامت ۹۴

- ۹۴ مقدمه
- ۹۴ ۱-۲- امامت در اندیشه سیاسی اسلام
- ۹۵ ۱-۱-۲- فرق امام با نبی
- ۹۸ ۲-۱-۲- امامت در تفکر اهل سنت
- ۹۸ ۱-۲-۱-۲- وظایف امام در تفکر اهل سنت
- ۹۹ ۲-۲-۱-۲- شرایط و ویژگی‌های امام در تفکر اهل سنت
- ۱۰۲ ۳-۲-۱-۲- فرآیند تعیین امامت امام در تفکر اهل سنت و نقد و بررسی آنها
- ۱۰۳ ۱-۳-۲-۱-۲- مبنای اول: نظریه اهل حلّ و عقد و نقد و بررسی آن
- ۱۰۶ ۲-۳-۲-۱-۲- مبنای دوم: انتصاب امام پیشین و نقد و بررسی آن
- ۱۰۹ ۳-۳-۲-۱-۲- مبنای سوم: استیلاء با زور و قهر و نقد و بررسی آن
- ۱۱۱ ۴-۳-۲-۱-۲- مبنای چهارم: نصب و نصّ و نقد و بررسی آن
- ۱۱۳ ۳-۱-۲- امامت در تفکر شیعه
- ۱۱۳ ۱-۳-۱-۲- دلایل عقلی و نقلی عصمت امام
- ۱۱۷ ۲-۳-۱-۲- لزوم نصب الهی امام
- ۱۱۸ ۴-۱-۲- مصادیق شایستگیان حکومت، بر اساس اندیشه شیعی امامت
- ۱۱۸ ۱-۴-۱-۲- انبیاء الهی ﷺ
- ۱۲۱ ۲-۴-۱-۲- امامان معصوم ﷺ
- ۱۲۲ ۳-۴-۱-۲- فقهای عادل
- ۱۲۶ ۲-۲- مبانی مشروعیت حاکمان در حکومت دینی بنابر تفکر شیعی امامت
- ۱۲۷ ۱-۲-۲- شئون انبیاء عظام ﷺ

- ۱۲۷ ۲-۲-۱-۱-دریافت و ابلاغ وحی
- ۱۲۸ ۲-۲-۱-۲-تبيين و تفسير وحی (مرجعیت دینی)
- ۱۲۹ ۲-۲-۱-۳-مرجعیت سیاسی و رهبری
- ۱۳۰ ۲-۲-۲-شئون امامان علیهم السلام
- ۱۳۱ ۲-۲-۲-۱-مرجعیت سیاسی
- ۱۳۱ ۲-۲-۲-۲-مرجعیت دینی
- ۱۳۲ ۲-۲-۲-۳-ولایت
- ۱۳۳ ۲-۲-۲-۴-ادله عقلی و نقلی شئون امامان علیهم السلام
- ۱۴۰ ۲-۲-۳-ویژگی های صاحبان این شئون
- ۱۴۱ ۲-۲-۳-۱-علم لدنی به خواسته های الهی
- ۱۴۴ ۲-۲-۳-۲-لغزش ناپذیری و عصمت
- ۱۴۵ ۲-۲-۳-۱-دلایل عقلی لزوم عصمت
- ۱۴۶ ۲-۲-۳-۲-دلایل نقلی
- ۱۴۶ ۲-۲-۳-۳-مراتب عصمت صاحبان اصلی حاکمیت الهی
- ۱۵۱ ۲-۳-نتیجه گیری

فصل سوم: مبانی مشروعیت حکومت دینی بر اساس اصل معاد ۱۵۲.....

- ۱۵۲ مقدمه
- ۱۵۴ ۳-۱-معنای لغوی و اصطلاحی معاد
- ۱۵۶ ۳-۲-واژه های همسو با معاد
- ۱۵۷ ۳-۳-ادله معاد
- ۱۵۷ ۳-۳-۱-برهان فطرت

- ۱۶۰ ۳-۳-۲- براهین عقلی
- ۱۶۰ ۳-۳-۲-۱- برهان حکمت و غایت
- ۱۶۱ ۳-۳-۲- برهان عدالت
- ۱۶۳ ۳-۳-۳- ادله نقلی
- ۱۶۳ ۳-۳-۱- ردّ شباهت منکرین معاد
- ۱۶۳ ۳-۳-۲- پدیده‌های مشابه معاد
- ۱۶۴ ۳-۳-۳- آیاتی که دلالت بر ضرورت و حتمی بودن معاد دارند
- ۱۶۵ ۳-۴- پیوستگی زندگی دنیا و آخرت
- ۱۶۸ ۳-۵- مبانی مشروعیت حکومت دینی بر اساس نتایج بحث معاد
- ۱۶۹..... جمع بندی و نتیجه‌گیری نهایی**
- ۱۷۳ الف) کتب
- ۱۸۲ ب) مقالات

مقدمه

تشکیل حکومت از منظر اندیشمندان، با توجه به «مدنیُّ بالطبع» بودن انسان یک ضرورت مسلم عقلی است، همان‌گونه که حضرت امیرمؤمنان علیه السلام در مناظره با خوارج فرمودند: «وَإِنَّهُ لَأَبَدٌ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ»^۱

اما از دیرباز، مشروعیت حکومت، منشأ و خاستگاه آن، مباحث دامن‌داری را میان دانشوران علوم اجتماعی و سیاسی به خود معطوف داشته و به عنوان یکی از اساسی‌ترین مباحث فلسفه سیاسی، همواره در کانون تحقیقات و پژوهش‌های علمی بوده و با ملاک‌ها و نگرش‌های گوناگون، مورد تبیین و بررسی قرار گرفته است.

نگرشی که در این نوشتار نسبت به این مسأله مورد نظر است، نگرشی کلامی و به اصطلاح الهیاتی است.

براین اساس پژوهش این نوشتار بر حول مشروعیت حکومت دینی، با بهره‌مندی از بنیادی‌ترین مباحث جهان بینی اسلام و بهره‌گیری از آموزه‌های کلامی و زمینه‌های اعتقادی آن، یعنی: «اصل توحید»، «اصل امامت» و «اصل معاد» صورت گرفته است.

۱. تبیین موضوع تحقیق

ابعاد بحث در رابطه با حکومت دینی وسیع و گستره آن در زمینه‌های گوناگون فکری حیات بشری است؛ اما بدون شک یکی از ابعاد اصلی و پایه‌ای حکومت دینی، مبانی مشروعیت آن است که در این نوشتار تلاش شده است با بهره‌گیری از مباحث کلامی مورد تحقیق واقع شود. بدین‌رو تحقیق پیشرو با عنوان «مبانی کلامی مشروعیت حکومت دینی» به سامان رسیده است.

۲. اهمیت و جایگاه موضوع

انسان از یک سو به حکم عقل و مقتضای فطرت که مطابق با آموزه‌های جهان بینی توحیدی نیز است، خود را تحت ولایت و حاکمیت کسی جزء خدای متعال نمی‌داند. از سوی دیگر، به اقتضای اینکه فطرتاً «مدنی بالطبع» آفریده شده و باید اجتماعی زندگی کند، نیازمند به نهادی سازمان یافته است، تا حیات اجتماعی او را به مطلوب‌ترین نحو سامان دهد و با تدوین بهترین قوانین و اجرای صحیح آنها، سعادت دنیوی و اخروی او را مهیا سازد. اما انسان همواره در قبال چنین پدیده‌ای که در صدد است با اعمال حاکمیت و اجرای قوانین، آزادی او را

۱. نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

محدود کند و او را وادار به اطاعت و در صورت تخلف مجازاتش نماید، با یک سؤال اساسی مواجه می‌شود و آن اینکه در برابر چنین حاکمیتی، که مجریان آن افرادی مانند اویند و ذاتاً مجوزی در امر و نهی ندارند، چرا باید تسلیم شود؟ و بر اساس چه ملاک و معیاری می‌توان در برابر تساوی انسان‌ها، برای حکمران، حق اعمال قدرت قائل شد؟ آیا چنین حقی را می‌توان منبعث از خواست و آرای عمومی مردم دانست و آن را ملاکی در حقانیت و مشروعیت حاکم فرض کرد؟ یا اینکه خواست و اراده مردم در ایجاد چنین حقانیت نمی‌تواند از توجیهی عقلانی و منطقی بر خوردار باشد و حاکمان، حق حاکمیت را نه از مردم، بلکه باید از صاحب حقیقی هستی یعنی خداوند، کسب کرده باشند و تنها ملاک سنجش حقانیت و مشروعیت حاکم، به‌طور حتم إذن الهی است، نه إذن و رضایت مردم.

در پاسخ به همین پرسش اساسی؛ مسأله مبنا و منشأ مشروعیت حاکم در اعمال حاکمیت از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشوران می‌شود و طیف گسترده‌ای از مباحث را فراروی آنان مطرح می‌سازد، به خصوص در رابطه با مشروعیت حکومت دینی که مسأله از حساسیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود به‌گونه‌ای که مخالفین آن در تلاشی مستمر می‌کوشند تا با ایجاد مغالطه‌های تاریخی در زمینه پیدایش حکومت‌های منتسب به خدا یا «تئوکراسی»، اساس مشروعیت الهی را غیر قابل دفاع و مردود تلقی کنند. بدین‌رو، تبیین مبانی مشروعیت حکومت دینی با الهام از اصول بنیادین مباحث کلامی اسلام ناب؛ یعنی «توحید»، «امامت» و «معاد» اهمیت به‌سزایی دارد.

۳. هدف از تحقیق

بنابر حکم عقل، مالکیت حقیقی و انحصاری عالم هستی و نیز ربوبیت، ولایت و حاکمیت بالذات و علی الاطلاق، از آن خدای متعال است که قرآن کریم در تأیید این مطلب می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۱؛ ﴿أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ﴾^۲ این مالکیت و ولایت خداوند بر عالم هستی، منبعث از مقام خالقیت و ربوبیت خداوند است: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۳.

بنابراین نمی‌توان کسی را به عنوان سرپرست حقیقی جمع بشری، جز خدای یگانه تصور نمود؛ اما بدیهی است که این «مالکیت و ولایت اصیل الهی» بطور مستقیم از جانب خداوند که

۱. بقره (۲) آیه: ۱۰۷.

۲. شوری (۴۲) آیه: ۹.

۳. اعراف (۷) آیه: ۵۴.

خود جامه انسانی پوشیده و به اعمال آن پردازد نخواهد بود؛ چرا که این خود محال ذاتی است؛ بلکه باید از طریق انسان‌هایی که تحت تربیت خاص الهی به مقام قرب رسیده و «امین دین» محسوب شوند، اعمال و اجرا گردد؛ همان‌ها که حاکمیت‌شان از مشروعیت واقعی و به حق بر خوردار است و از سوی خدا بر این امر مآذونیت دارند.

از این رو هدف از مباحث این نوشتار، اثبات این نظریه است که به طور اساسی مشروعیت و حقانیت با اذن الهی محقق می‌شود و حاکمیتی که به غیر از اذن او باشد، مردود و نامشروع خواهد بود.

در این راستا از رهگذر استدلال‌های کلامی تلاش نموده‌ایم تا ثابت کنیم که حقانیت و مشروعیت اصیل و راستین تنها در سایه سار «اذن الهی» قابل تحقق است؛ امری که در حکومت برخی انبیاء عظام علیهم‌السلام که موفق به تشکیل حکومت شده بودند به ویژه در حکومت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نیز در حکومت حضرت علی علیه‌السلام به نحو بارزی به منصه ظهور رسیده و نقش آرای مردم در آن فقط در تحقق عینی و اثباتی حکومت بوده است و نه در تحقق حقیقی و ثبوتی آن.

۴. تبیین واژگان موضوع

کلام: کلام در اصل لغت: صوت‌های معنی‌دار، و نزد متکلمین: معنی و مقصود انسان است که با کلمات والفاظ به بیان آنها می‌پردازد. و در نزد نحوی‌ها: جمله‌ای که مفید معنی باشد و مقصودی را کاملاً برساند، مثل، علی آمد.^۱

علم کلام: علمی است که درباره خدا و اوصاف او و مبدأ و معاد سخن می‌گوید؛^۲ به عبارتی دیگر در این علم، اصول و عقاید اسلامی یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت، بحث و درباره آنها استدلال و در مقابل شبهات طرح شده درباره آنها، دفاع می‌شود.^۳

هر چند که علمای دینی در موضوع آن اختلاف نظر دارند، اما بطور کلی می‌توان گفت موضوع آن، تمام مسائل مربوط به عقاید نظری اسلام در حوزه‌های مختلف خدا شناسی، انسان شناسی، جهان شناسی، راهنما شناسی (نبوت امامت) و فرجام شناسی (معاد) می‌باشد و علم کلام در این راه از براهین عقلی و نقلی استفاده می‌نماید. و منظور از کلامی بودن مبانی، در این

۱. ابراهیم انس و دیگران، فرهنگ المعجم الوسیط، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران، چاپ دوم، انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۳۸۶ش، ص ۱۶۹۶.

۲. محمد بندر ریگی، فرهنگ المنجد، تهران، چاپ دوم، انتشارات ایران، ۱۳۷۳ش، ج ۲، ص ۲۲۳۰.

۳. ر.ک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، چاپ نهم، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۶ش، ج ۳، ص ۵۷.

پژوهش، بدین معناست که منبع و منشأ حقانیت حکومت دینی برگرفته از موضوعات و بحث‌های کلامی هستند.

مشروعیت: این واژه هرچند که از ماده «شرع» اشتقاق یافته است و با کلمه‌هایی چون شریعت و متشرعه هم ریشه است؛ اما در مکاتب و نظام‌های سیاسی به معنای مطابق با شرع یا امری نیست که شارع مقدس وضع نموده است، بلکه یک اصطلاح در فلسفه سیاست به شمار می‌رود و درباره هر نظام سیاسی، سؤال از مشروعیت مطرح می‌شود.^۱

در علوم سیاسی، این واژه برابر با لفظ «*Legitima*» است که مفاهیم، درستی، بر حق بودن، حقانیت، قانونی بودن، صلاحیت و حلال‌زادگی را در بر دارد و در بحث‌های علوم سیاسی بیشتر با معنای حقانیت مترادف گرفته می‌شود.^۲

حکومت دینی: «حکومت دینی» اصطلاحی مرکب از واژه حکومت و دین است. اجمالاً تعریف‌های مختلفی که از آن ارائه شده عبارتند از:

۱. حکومت دینی حکومتی است که در آن مؤمنان و معتقدان به یک دین خاص، صاحب اقتدار سیاسی باشند؛ یعنی «حکومت دین داران»؛^۲ حکومت دینی، حکومتی است که اقتدار سیاسی جامعه به دست طبقه خاصی بنام «رجال دین» باشد؛^۳ حکومت دینی، حکومتی است که دفاع و ترویج مذهب و دین خاصی را بر عهده گرفته و جوهر و قوام دینی بودن آن در حالت «مدافعه گرایانه» برای دین خاص است؛^۴ حکومت دینی، حکومتی است که دین خاصی، مرجعیت همه جانبه را در عرصه سیاست و اداره جامعه داشته باشد؛ این تفسیر از حکومت دینی، به دنبال تأسیس «جامعه دینی» است؛ یعنی می‌خواهد کلیه روابط اجتماعی اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و نظامی را براساس آموزه‌های دینی شکل دهد.

از میان تعاریف فوق، تعریف چهارم تناسب کامل‌تری با ماهیت حکومت دینی دارد و نشان می‌دهد که معیار اصلی دینی شدن یک حکومت، دغدغه انطباق همه شئون جامعه با تعالیم و آموزه‌های دینی است.^۳

۱. محمدرضا کریمی والا، مقارنه مشروعیت حاکمیت در حکومت علوی و حکومت های غیر دینی، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش، ص ۶۲.

۲. عباس آریا نیور کاشانی، فرهنگ کامل انگلیسی - فارسی، چاپ هشتم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۸ش، ج ۱، ص ۱۲۳۳.

۳. ر.ک: ۱. احمد واعظی، حکومت اسلامی، چاپ پنجم، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶ش، ص ۲۹؛ ۲. عباس شیخ

شجاعی، معیار دینی بودن حکومت، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹ش، ص ۲۰۱.